

خبرنامه جنگ - ۱۱

جنگ برای توده‌های ایران و عراق فقط فلاکت و بدبختی ببار می‌آورد

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
روزه جنگ ایران و عراق
پیکار

دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۵۹ ۴ صفحه

• سرمقاله

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم!

عواقب وخیم جنگ ارتجاعی میان دولتهای سرمایه‌داری ایران و عراق، بیش از پیش آشکار میشود. بیش از یک میلیون تن از زحمتکشان خوزستان آواره شده‌اند. آنها آشکارا دیده‌اند که این جنگ به قیمت از دست دادن بسیاری از عزیزان و تمام هستی‌شان تمام شده است. آنها با پوست و گوشت خویش ارتجاعی بودن این جنگ را درک کرده‌اند. آنها گرسنه‌ی مسکن و بی حقوق و بیول آواره شهرهای دیگر شده و از طرف عمال رژیم، امام جمعه‌های مرتجع و سیاه‌پایان و... مورد تشدیدترین آزارها قرار گرفته‌اند. آوارگان جنگ بخوبی درک میکنند که این جنگ فقط فلاکت، آوارگی و کشتار برای زحمتکشان به ارمان می‌آورد. بسیاری از توده‌های ارتجاعی، کم‌کم درک میکنند که گونت دم‌توپ سرمایه‌داران هستند و این جنگ هیچ نفعی برای آنها ندارد و فقط کشتار و مرگ برای مردم ایران و عراق به ارمان می‌آورد.

دیگر زحمتکشان ایران نیز بتدریج می‌فهمند که این جنگ برضد منافع مردم ایران و عراق و توطئه‌ای از سوی دودولت ارتجاعی ایران و عراق است. صفهای طویل برای مایحتاج اولیه زندگی، جیره بندی و کوبن، گرانی روز-افزون ارزاق عمومی، کمبای، کمبود نفت و بنزین، بیکاری... خلاصه فلاکت و نکبت بیش از پیش ما به نوم خود را بر زحمتکشان ایران گسخته است.

بدین ترتیب جنبش توده‌ها بناگزییر اوج خواهد گرفت. در شرایط کسوفی علاوه بر افشای همه جناح‌های رژیم باستی، به سازماندهی مبارزات توده‌ها پرداخت. سازماندهی مبارزات آوارگان جنگ بر علیه تمسقات رژیم و حصول تحقق ابتدائی ترین وسایل زندگی از قبیل مسکن، خوراک، یوناک و... و نیز سازماندهی جنبش اعتراضی توده‌های بر علیه فلاکت، گرانی و بیکاری که بوسیله جنگ تشدید شده است. در شرایط کنونی در حقیقت عسارت از شعارا نشانی

و عملی ما در قبال افشای جنگ ارتجاعی کنونی نیز هست. ما شرکت و رهبری این مبارزات باستی مبارزه علیه جنگ در خدمت ارتقاء و گسترش مبارزات انقلابی خلقهای ایران در آندو برداشته‌ایم و موج اعتلائی جنبش ما فزاید.

فریاد خود را بر طبله جنگ بلندتر کنیم
جنبش اعتراضی بر طبله فلاکت، گرانی
بیکاری و... را سازمان دهیم
جنبش انقلابی آوارگان را برای بهبود وضع
زندگیشان سازمان دهیم

شیوع وبا

در خوزستان جنگ زده

بقیه در صفحه ۲

مجروح کردن خود

برای فرار از جبهه

اخیرا تعداد "خود زنی"ها در بین پرسنل نیروی زمینی زیاد شده است. این عمل عمدتاً در بین سربازان و درجه داران دیده میشود. این افراد با شلیک گلوله و ایجاد زخمهایی سطحی در دست و پایی خویش برای فرار از جنگ، بهانه ایجاد میکنند. در حقیقت هر روز که از جنگ میگذرد، توده‌های بیشتری و از جمله سربازان و درجه داران ارتش به ماهیت ارتجاعی جنگ پی میبرند و حاضر نمیشوند در راه منافع سرمایه داران و کشور ایران و عراق خود رابه کشتن بدهند و یا برادرانشان را بکشند. بقیه در صفحه ۲

پای صحبت آوارگان

مردم زحمتکش خوزستان که در نتیجه جنگ بین رژیمهای عراق و ایران آواره شده و هر روز با مشکلات دم‌افزونی روبرو هستند، در مقابل فشارهای گوناگون ناشی از آوارگی و فشارهای که رژیم جمهوری اسلامی به آنها وارد میکند، به اعتراض و اشاکری نسبت به وضع موجود و ماهیت بقیه در صفحه ۲

۵ خبر از درون ارتش

جمهوری اسلامی

خرید سلاح‌ها از آمریکا و کشورهای وابسته‌اش ادامه دارد
ارتش خود را برای بهترین روابط با آمریکا آماده کرده است

بقیه در صفحه ۳

بمبهای ارتش ارتجاعی عراق زحمتکشان خرم آباد را نیز به خاک و خون کشید

بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ بسپای ارتش ...

در ادامه جنگ ارتجاعی تحمیلی بر سر مردم ایران و عراق، ارتشهای ارتجاعی دوکشوریه بمباران مناطق مسکونی ادامه میدهند و زحمتکشان را به خاک و خون میکشند.

روز ششم آذرمه ساعت ۱/۵۴ بعد از ظهر یک فروند مسک عراقی بر فراز خرم آباد داهر شد و بدون اینکه حتی یک سربوایی تلیک شود بمبهای خود را بر روی بادگان و میدان بارفروشان (مرکز شهر افروز بخت و اوج گرفت).

محل انفجار ریمه مرکز کار و تجمع زحمتکشان بارفروشی بود و سبب انفجار بمبی بود که اجساد برخی از قربانیان بر آکنده شد و فابل شایایی سیودند. در این بمباران فاشسی ۱۹ تن از زحمتکشان در دم جان سپرده و ۴۰ نفر دیگر در بیمارستان در گذشتند. تعداد دزخیهها مدفنر گزارش شده اند.

این حادثه اسف بار است از پیش نعت مردم را از جنگ غیر عادلانه برانگیخت.

● وضع آوارگان در خرم آباد

در حدود ۵۰۰۰ نفر از مردم جنگزده شوش در خرم آباد سیر میبرند. آنها را در یکی از مسدود شده اسکان داده بودند. اسراده "حزب" ارتجاعی جمهوری اسلامی کمکهای غذایی مردم را برای تقسیم بین آنها میسرند ولی از مردمان میخواهد که به جبهه جنگ برگردند. در اثر اعتراض آوارگان جنگزده، وقیحانه میگویند: "ما از مردم کمساره میکشیم و شما را سیر میکنیم" که این برخورد بیغایت ارتجاعی موجب اعتراض و خشم آوارگان شده و غذا را نمیپذیرند. ارتجاع از کمکهای بی-ریای مردم به جنگزدهها بیعتنا وین مختلف سو-استفاده میکند.

رژیم جمهوری اسلامی که از جنش اعتراضی آوارگان وحشت دارد، مدبوحانه سعی میکند از تماس آنها با مردم و سبزه اجتماع آنان جلوگیری نماید و به همین دلیل آنان را در صد کیلومتری خرم آباد در کنار جاده و زودخانه در زیر چاه دره اشک یا رای جلوگیری از سرما را ندارند. بدون کوچکترین وسیله بهداشتی و بدون دسترسی به غذای کامل اسکان داده اند. واقعیتها حقیقت گفتار کمونیستها و دروغوئیهای شاخدار هیئت حاکمه را در مورد رسیدگی به وضع آوارگان جنگ بخوبی نشان میدهد.

تصحیح

در خبرنامه جنگ ع- در خبر مربوط به "کوچمفهان"، (از توابع رشت) سخنران کریمی داستان سابق انقلاب گیلان و فرماندار فعلی لاهیجان بود و کوچمفهان فرماندار ندارد.

شیوع وباء در خوزستان جنگزده

● مسجد سلیمان

تا روز ۲۱/۸/۵۹ بین ۷ تا ۱۰ نفر از اهالی زحمتکش براثر وباء کشته شده اند. مسئولین رژیم در شهر علیه شیوع این بیماری تاکنون هیچگونه هشدار یا مردم نداده و اقدامات پیشگیرانه ای انجام نداده اند. زحمتکشی در همین مورد می گفت: "آینها اگر راست میگویند و طرفدار "ستضعفین" هستند چرا یکبار هم که شده در رادیو اعلام نمی کنند که وباء شیوع پیدا کرده؟ فقط بلندند اطلاعیه در رادیو بخوانند که هر کس جنگ نبرد ضد انقلابی است".

نقل از خبرنامه جنگ شماره ۸، کمیته خوزستان سازمان یکبار

در خوزستان جنگزده،

مردم به رژیم کمکی نمیکنند

در تاریخ ۸/۳۰ براثر امابت یک خمپاره عراقی قسمتی از یک شرکت خارجی در اهواز که محل نگهداری قیر بوده آتش میگیرد، شدت آتش سوزی بعدی بود که قسمتی از شهر اهواز را ملوث شده بود. اما زحمتکشان با قیامت در شهر کوششی برای خاموش کردن آتش نداشتند. این مسئله نشان میدهد که عمده آن عده از توده ها هم که در خوزستان جنگزده با قیامت انداخته بغیر "دفاع از زمین" و شرکت در جنگ و با از سر توم نیست به رژیم بلکه بغیر فقر و تنگدستی و ناتوانی در تهیه مخارج خروج از شهر بوده است. بدین ترتیب توده ها پیش از پیش نرفتار از اعضا ملین این جنگ ارتجاعی بروز میدهند و اگر نتوانند شهر را ترک گویند، از همکاری با عمال رژیم تیر خودداری میکنند.

نامه ای از یک آواره زحمتکش

تا مه زیرا یکی از زحمتکشان آواره برای ما فرستاده است. آنچه که رژیم بر سر این زحمتکش آورده است حکایتی است که بر پیش از یک میلیون آواره میهن میگردد. "من یکی از آوارگان جنوب در تهران هستم از اهواز آمده ام، خانه ما را خمپاره ها خراب کرده

بقیه از صفحه ۱ بای صحبت ...

غیر عادلانه جنگ میبردند. ما برای نشان دادن گوشه ای از اعمال ضد خلقی عمال محلی رژیم با آوارگان ساکن را مهرمز، قسمتی از اظهار نظر این آوارگان را در زیر میآوریم:

یکی از زنان زحمتکش که جزو آوارگان است بر اینسان سخن میگوید: "ما چهار خانوادهایم که در دو اتاق یک مدرسه زندگی میکنیم (در شهر را مهرمز). در مدتی که اینجا آمده ایم از پس از جانبها با سداران مورد آزار و سرکوفت قرار گرفته ایم دیگر اعمالی برایمان نمانده اینجا از قبرستان هم بدتر است. با سداران هر چند وقت یکبار و بدون اطلاع و بدون اجازه سرزده وارد اتاق میشوند. نخستین باری که آمدند موضوع حجاب اسلامی را باها نه کردند و با ردم که آمدند گفتند که با دانهها و کسانیکه از شهرهای دیگر آمده اند باید از شهر بیرون بروند ولی با مقاومت و اعتراض همه خانوادها ای آواره روبرو شدند. در ارتباط با همین موضوعات این زحمتکش دیگری میگوید: "هفت خانوادهایم که در یک سالن یک کودکستان سیر میبریم. الان مدتی است که مرتب با سداران می آیند و مزاحمت ایجاد میکنند. یکبار به ما نه تخلیه محل و به ما پس بها نه که قرار بوده فقط زنان ساکن باشند و مرد ها باید بروند به جبهه جنگ. این او اخر هم آمدند و گفتند اتاق ها را برای آموزش اسلحه میخواهیم... خلاصه منظورا علی آنها اینست که ما را بهتر تربیتی شده از شهر بیرون کنند و بسه شهرهای جنگزده خودمان فرستند تا میسندان جنگ خالی نمایند! ما در آواره دیگری میگوید: "هشت تا بچه دارم که یکی از آنها در اهواز در سنگر میباید و یکی از برادران از ناحیه کتف تیر خورده است و بستری میباشد. شوهرم در کارخانه صنایع

است، یک بچه دارم و متاسفانه فامیل نزدیکی ندارم که بتوانم پیش آنها بمانم.

مدت ۸ روز است که از این کمیته به آن کمیته میروم که حداقل یک اتاق در اختیارم بگذارند ولی همه کمیته ها بدون استثنا گفته اند که هیچ کمکی نمیتوانند بکنند. در یک کمیته که دلشان بحال سوخته بوده ۵ تومان جمع کرده و به من دادند ولی قبول نکردم، چون دوروز با این پول همیشه میگذرد اما بالاخره چی؟ در حالیکه اینهمه آوارگان خالیست و نمیتوانستند حداقل یک سرپناه به ما بدهند که شبها بخ نزنیم. در همه کمیته ها به من گفتند که ما مربوط نیست و باید به وزارت کشور بروی و من پرسان پرسان به ماختان بزرگ وزارت کشور هم رفتم ولی حتی بدخل آنها هم ندادند.

خلاصه کلام، این دولت حاضر نیست کوچکترین گامی در جهت منافع ما بردارد."

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

دانش آموزان ۱۶ و ۱۷ ساله بدون اجازه والدین هم میتوانند به جبهه بروند

حرف و عمل رژیم در کلیه زمینه ها با هم متفاو ت است. "بیت الله منتظری" در یکی از "خطبه های نماز جمعه گفته بود "ما کسی را بدون رضایت خانواده و خودش به جبهه نمیبریم" اما رژیم به خاطر نیا زفراران به "گوشتم توب" و عدم شرکت جوانان در جنگ به افراد بسیج که اغلب دانش آموزان ۱۶-۱۷ ساله هستند گفته اند که نیازی به رضایت نامه والدین ندارید ولی پس از گذشت چند ماه از جنگ ارتجاعی "دا وطلبین" بسیج اکنون از شرکت در جنگ استقبال چندانی نمیکند. شونده های متوهمی که دا وطلبانه در بسیج شرکت کرده اند با گذشت زمان و در اثر افشاکری نیروهای انقلابی به دروغین بودن شعارهای رژیم پی میبرند و حاضر نیستند "گوشت دم توب" سرما به داران گردند.

بقیه از صفحه ۴ پنج خبر...

لیبرالها (به فرما تدهی بنی صدر) و جمهوری اسلامی در ارتش به رودروشی آشکار نیز رسیده اند به همین دلیل بدستور ا کید فرما نده نیروی هوایی به تما مپرسنل توصیه شده است که هیچگونه بحث و گفتگو و اقدامی در رابطه با مسائل و اختلافات بین جناح های هیئت ها که نمنا بیند و گفته شده است که نظا میان تبا بد در مسائل سیاسی دخالت نمائند.

به سازمان ارشاد (که در جمهوری اسلامی بجای خدا اطلاعات ارتش شاهنشاهی نوشته است) دستور داده شده که از این بعد دستنها د را موری که در سابق خدا طلاعات انجام میداد دخالت کنند و تنها همان کار را انجام دهد و در سایر موارد دخالت ننماید.

بقیه از صفحه ۱ پنج خبر...

۱- در کمسیون اوایل آذر ماه ۵۹ با شرکت وزیر دفاع و فرما نده نیروی هوایی (فکوری)، به فرما ندهان و سرپرستان فنی کلیه قسمت های نیروی هوایی دستور داده شد که هر چه زودتر کمبود ها و نواقص دستگاهها و مشکلات آموزشی بقیه در صفحه ۳

و تنها نتیجه دسترنجها همان خانم بود، بعد از آنکه خانم ام ویران شده شیراز رفتیم. در آنجا اعلامه کردند که این "مدانقلابی" را با پادشیراز بیرون کرد. بی طرفها احیانان خودشان در دما را نکشیدن درد آوارگی و بیخا نما شی... هنوز جگر گوشه آنها نمرده تا بفهمند ما چه میکنیم. فقط بلدند ما را تحریک کنند که بچنگیم ولی ما میدانیم که این جنگ برایمان نتیجه ای ندارد. هی سما میگویند برگردید به شهرهایتان، آخه برویم برای چه؟ برای کی؟ میترسند ما اسلحه بدهد! اینها فقط بفکر جیب خودشانند، حالا اگر جوانها کشته شوند و مردم خانه خراب، برایمان که مهم نیست!

شخص دیگری میگوید: "این جنگ چه سودی برای ما دارد جز بدبختی و آوارگی... حالا هم که میبینید نزدیک به ۱۰ ساعت است که در صف ایستاده ایم و هیچکس بفکرمان نیست. چرا به هنگام سختی به درد ما رسیدگی نمیکنند؟ این گفتگوها مورد قبول اکثر مردمی بود که صف نفت را تشکیل میدادند.

توده های بزرگ گول عوام فریبهای رژیم را نمیخورند! به نقل از فریاد آوارگان شماره ۵، از انتشارات کمیته خوزستان سازمان پیکار

رویزبونیستها، باور ارتجاع



اصفهان

دانشگاه صنعتی یکی از مراکز آوارگان در اصفهان است و به همین جهت نیروهای انقلابی و از جمله سازمان ماتلاش میکنند از هر وسیله ای برای افشای جنگ ارتجاعی و جنایات رژیم استفاده کنند. رفقای ما برای آگاه ساختن آوارگان جنگ زده و مردم زحمتکش، اقدام به نوشتن شعارهای مختلف پروری دیوارها کرده اند. رویزبونیست های مرتد "کریست" (فدائیان) برای اثبات خوش خدمتی خود، کینه طبقاتی شان را با کمونیستها در عمل هم نشان دادند و شعارهای انقلابی و بویژه شعارهای سازمان مارا پاک می کنند. رویزبونیست از دیدن شعارهای انقلابی بردیوارها هم وحشت دارند! آنها از انقلاب می ترسند!!

شرایط درمانی و بهداشتی

جبهه ها اسفناک است!

در جبهه های جنگ آنچه که برای رژیم اهمیت ندارد سلامت سربازان و وضع زخمیهاست زخمی ها را بدون اینکه بهبودی کامل یابند به جبهه ها برمیگردانند. سربازانی که از زخم معده سردرد های مزمن و ناراحتی های دیگر رنج میبرند بدون دارو و درمان مجبوره تحمل درد و ناراحتی جسمانی هستند.

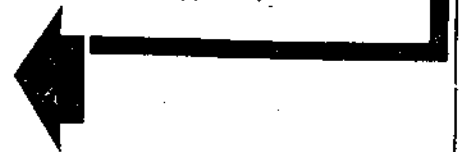
نوادگان می کنند و برای اینکه او را اخراج نکنند اجبارا در هوا زنده است و تا کنون هم از او خبری ندادیم که زنده یا مرده است. حال امن و شش بچه دیگر هم چنان در بیم و فقط در یک اتاق گلسی که قدیمی سا زاست نشسته ایم و نگران هستیم که با بارندگی ممکن است روی سرمان خراب شود. مدتی است که برای گرفتن یک چادر مرتب به فرما ننداری و شهرداری اینجا مراجعه میکنیم ولی بی نتیجه مانده است. آنها حتی از جواب دادن هم طفره میروند و انگار ما بشر نیستیم. دیگر امیدی به کمک آنها نداریم!

عده ای از آوارگان که برای گرفتن چادر غذا و پوشاک به شهرداری رفته و شهرداری تحت فشار گذاشته تا به خواسته هایمان رسیدگی کند، میگویند که: "شهردار خود را به تفهسی زده و انگار نه انگار که ما آواره جنگی هستیم که رژیم راه انداخته و خانه خراب اصلی ما هستیم؟! شهردار با وقاحت اظهار داشته که چادر نیست و هلال احمر قرار است چادرها و رودها را در آنها ساکن کند! اما این حرفها که مدتی است تو خالی بودنش برایمان ثابت شده دیگر به فرج هیچکس نمیرود. زن و بچه مردم که با و گویی سرشان نمیشود آنها سرپناه میخواهند و وعده این هفته و آن هفته نمیفهمند! این حرفها در شان را دوا نمیکند. توده ها که میبینند که قربانی جنگی هستند که تنها منافع سرما به داران را در بر میگیرد و در بهبود وضع آنها که تا شبر نمیکنند، هیچ تا زه روز بروز با رد دیگری برانضوه مشکلاتشان میافزاید کمتر حاضرند قریب نیرونگهای رژیم و عمال آنها بخورند و چون میبینند رژیم بدست نشانگان شربه خواسته هایمان به این سادگیها نمیرسند تصمیم میگیرند با مقاومت و با اعمال فشار، در جهت تامین احتیاجات خود (مسکن، نان، آب، شوخت پوشاک - دارو و غیره) مشکل و هما هنگ اقدام نمایند. به همین دلیل میتوان در کلیه اماکنی که آوارگان مستقر گردیده اند، شاهد روحیه اعتراضی آنان بود!

هنگامیکه برای خریدن آوارگان صف بسته بودند هر یک بنوعی مدای اعتراض بلند بود. آنها از وضع موجود و گرفتاریهای خود سخن میگفتند. از جنگی که برایمان منافع در میان نداشته و آواره شان کرده است بشدت ناراضی بودند. مردی میگفت: "خمپاره دوتا از بچه هام را جلوشما نم تنگه تکه کرد." دیگری میگفت: "شمره ۴۰ سال کار و بدبختی و بیچارگی و گرسنگی بچه و یک آلونک بود که در یک لحظه با خاک یکسان شد." مرد نوجورد دیگری که خمیده بنظر میرسد میگفت: "از پادان آمده ام، خانه ام ویران شد تنها از حاصل آشهمه عذاب و زحمت همان خانه را داشتم که ما به ما میدمد در این سرپیری بود ولی چه فایده! نا بود شد. دستم ای چرخ کارخانه قطع شد

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

جنگ ارتجاعی زورگویی وفشار را بر سربازان شدت بخشیده است



در تاریخ ۲۹/۸/۵۹ چهارتن از سربازان پارگان ۰۶ (سلطنت آباد سابق) که بدون اجازه به مرخصی رفته بودند دستور فرمانده پارگان هریک به ۶۰ ضربه شلاق محکوم گشته که بعد از اجرای حکم به پشت هریک کوله های سنگین بسته و تازه پس از چند ساعت آنها را روانه زندان می نمایند.

توده های سربازان یکطرفه در جبهه ها بخاطر سرپیچی از دستورات اعدام و یا محاکمه می شوند و از طرف دیگر در یادگانها محکوم به قرون وسطائی ترین تشبیهات می گردند.

۲- اوایل آذرماه ۵۹ ششالی هفتگشتی محموله قطعات یدکی و وسایل نظامی مستقیماً از آمریکا درینا در جنوب لسگرا نداخته اند.

این کشتیها بدنبال رسیدن یک کشتی محموله نظامی که فیلایمنی در آبنا ۵۹ مستقیماً از آمریکا در بندر بوشهر لنگر انداخت بهینا در جنوب رسیده اند. وقتی در آبنا ۵۹ یک کشتی محموله نظامی به بندر بوشهر رسید بمنظور تسریع در تخلیه این محموله های نظامی از یابگا ههای مختلف نیروی هوایی متخصصین قسمتهای مختلف به بوشهر اعزام شدند که هریک محموله مربوط به قسمت خود را بغوریت تحویل بگیرد.

پیام زنان کارگر به فرزندان کوچکشان از زبان لنین

"توسزودی بزرگ خواهی شد، ستوا سلحه خواهند داد، بگرو عملیات نظامی را بخوبی بیاموز، این علم برای پرولترها طبقه کارگر-پیکار ضروری است. اما نه برای آنکه نظیر جنگ کنونی و طبق نمایی که خائنین سوسیالیسم بتومیکنند، آنرا بر سر برداران خود یعنی کارگران سایر کشورها بکار بری، بلکه برای آنکه بر ضد بورژوازی کشور خود مبارزه کنی و با دشمنان روفرو جنگ به از طریق نمایان حسته، بل از طریق پیروزی پروردواری و خلق صلاح آن، خاتمه دهی."

(لنین، بر نامه جنگی انقلاب پرولتاریائی)

۳- هواپیما های جموجت نظامی نیروی هوایی که مخصوص حمل محموله های نظامی هستند را رژیم جمهوری اسلامی به آرم "هواپیما های ملی ایران" همانا که مخصوص حمل مسافران مجهز کرده و مدتی است که این هواپیما ها از کسره جنوبی لوازم و قطعات یدکی نظامی وارد میکنند قیمت این محموله های نظامی که بطور غیر-مستقیم از آمریکا (از طریق کره جنوبی) خریداری میشود گاه با ۸۰۰ درصد قیمت معمولی میرسد (که با این گرانی و فلاکت توده ها رژیم چگونگی دسترنج زحمتکاران را به جیب امپریالیسم غارتگر میریزد).

البته "هواپیما های ملی ایران" همانا نیز مقداری هواپیما های جموجت (بوشنگ ۲۴۲) در اختیار دارد. ولی رژیم جمهوری اسلامی با تغییر آرم هواپیما های نظامی خود برای برده پوششی روابط خود با آمریکا، از این طریق منادرت به خرید لوازم یدکی نظامی کرده است. رژیم چون کبک سردر برف کرده است و گمان میکند که توده ها از این فریبکار ریها و دغلیکار ریهای رژیم تا ابد بی اطلاع خواهند ماند.

۴- بدنبال اوجگیری تضاد بین امپریالیسم و جمهوری اسلامی در این اواخر، با زتاب این درگیری در ارتش بسیار رگسترده بوده و طرفداران بقیه از صفحه ۳ پنج خبر...

خود را بررسی و مشخص کنند تا با برقراری روابط با آمریکا که از نظریاتان بزودی این روابط "عادی" میشود (حد اکثر استغاده بشود). (نگنسه قابل توجه این است که از نظرو زبردفاع و فرمانده نیروی هوایی برقراری این روابط را خیلی نزدیک میدیدند این خبر نشان دهنده رتدمبارزات "عدا امپریالیستی" رژیم است!!!)

روحیات مردم در اسلام آباد

توده های زحمتکش اسلام آباد (واقع در ۹۰ کیلومتری سرپل زهاب) که با آغاز جنگ شهر را ترک کرده بودند اینک بیش از پیش از جنگ منزجرند. آنها به شهر بازگشته اند، اما آماده اند تا با شروع مجدد حمله به شهر آنجا را ترک کنند، آنها حاضر به جنگ نیستند چه خوب فهمیده اند که که نباید گوشت دم تسوی سرمایه داران شد.

روحیه مردم نسبت به جنگ ارتجاعی به گونه ایست که حتی افرادی که برای "اسلام" جمهوری اسلامی و آیت الله خمینی سینه چاک می داده اند هم اکنون توهمشان نسبت به رژیم و رهبران آن تا حد و دزیادی ریخته است.

بقیه از صفحه ۱ مجروح کردن اما چون فرار از جبهه در مقررات زمان جنگ مجازات اعدام دارد، با مجروح کردن خود من کوشند، راهی برای فرار از جبهه پیدا کنند.

منتشر شد

فریاد آوارگان ۵
پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۵۹
پیکار
با ۵ ریال

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست